دوماهنامهٔ جستارهای زبانی
د٦، ش٧ (پیاپی ٢٨)، بهمن و اسفند ١٣٩٤، صص٢٠٥-٢١٨

تمایز روابط دستوری در گویش شوشتری

پونه مصطفوی*

دکتری زبان‌شناسی همگانی و استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری ، تهران، ایران

دریافت: ٩٣/٧/٢٤ پذیرش: ٩٣/١٠/٣٠

چکیده

در زبان‌های دنیا دو نقش دستوری فاعل و مفعول مستقیم که آن‌ها را روابط دستوری نیز می‌نامند، در جمله از طریق سه راهکارِ ترتیب واژه‌ها، مطابقه و نظام نشانه‌گذاری حالت قابل تمایز از یکدیگرند. زبان‌های دنیا ممکن است یک یا دو راهکار و گاهی در برخی موارد هر سه راهکار را برای تمایز روابط دستوری به کار گیرند. هدف از پژوهش حاضر تعیین راهکارهای اتخاذشده برای تمایز بین دو نقش دستوری فاعل و مفعول مستقیم در جمله‌های دارای فعل گذرا در شوشتری است. به همین منظور داده‌های پیکرهٔ پژوهش از طریق مصاحبه از گویشوران شوشتری براساس پرسش‌نامه‌ای حاوی ٦٢ جمله، گردآوری و تحلیل شدند. در گویش شوشتری برای تمایز دو رابطهٔ دستوریِ فاعل و مفعول مستقیم از دو راهکار نظام نشانه‌گذاری حالت و مطابقه استفاده می‌شود. راهکار ترتیب واژه‌ها در این گویش بدین منظور کاربردی ندارد. از آنجا که این گویش با زبان فارسی در یک گروه گویشی قرار دارد، تصور می‌شود که راهکارهای مشابهی با فارسی به کار گرفته شوند و تحلیل داده‌های پیکره نیز صحت این موضوع را تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: روابط دستوری، ترتیب سازه‌ها، مطابقه، نظام نشان‌گذاری حالت، گویش شوشتری.

١.مقدمه

روابط دستوریِ[١] فاعل و مفعول مستقیم از ارکان اصلی جمله‌های گذرا هستند که در زبان‌های دنیا برای تمایز آن‌ها در جمله، سه روش و راهکارِ[٢] ترتیب واژه‌ها[٣]، نظام نشانه‌گذاری حالت[٤] و مطابقه [٥] وجود دارد. البته این بدان معنا نیست که الزاماً زبان‌ها هر سه راهکار را به این منظور به کار می‌گیرند، بلکه ممکن است برای هریک از روابط دستوری یک یا دو راهکار به‌طور همزمان یا هر سه راهکار استفاده شوند. مواردی نیز وجود دارند که در آن‌ها راهکارهای متفاوت برای فاعل و مفعول مستقیم به‌طور مجزا به کار می‌روند (Vide. Givon, 2001: 175). هدف از این پژوهش تشخیص راهکارهای اتخاذشده در گویش شوشتری برای تمایز روابط دستوری فاعل و مفعول مستقیم است.

* نویسندهٔ مسئول مقاله: Email: mostafavi1972@gmail.com

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

بنابراین دو پرسش اصلی در این تحقیق مورد نظر است:

۱. کدام‌یک از راهکار یا راهکارهای پیشنهادی توسط گیون (2001) در شوشتری به کار گرفته می‌شوند؟

۲. با توجه به این‌که این گویش مطابق نظر اشمیت (۱۳۸۳: ٥٦٣) با زبان فارسی در یک گروه گویشی قرار دارد، آیا راهکارهای مشابه با راهکارهای زبان فارسی برای تمایز روابط دستوری استفاده می‌شوند؟

برای پاسخ به پرسش‌های ذکرشده و انجام پژوهش، پرسش‌نامه‌ای با ٦٢ جمله تهیه شده و از ۱۰ نفر گویشور مصاحبه به عمل آمده است که پس از آوانویسی، داده‌ها بررسی و تحلیل شده‌اند. به نظر می‌رسد در این گویش از سه راهکار مورد نظر، راهکار نشانهٔ حالت، برای مفعول مستقیم و راهکار مطابقه برای فاعل دستوری استفاده می‌شود که راهکارهای مشابه با زبان فارسی است.

شوشتر یکی از شهرستان‌های شمالی استان خوزستان است که از شمال به کوه‌های بختیاری و شهرستان دزفول، از غرب به دزفول و شوش، از شرق به مسجد سلیمان و از جنوب به اهواز محدود می‌شود (نک. فاضلی، ۱۳۸۳: ۱۲). گویش شوشتری، گویش رایج در این منطقه، از شاخهٔ گویش بختیاری و یکی از گویش‌های رایج در جنوب غربی ایران است. گویش‌های رایج در جنوب غرب ایران مجموعهٔ نسبتاً همگنی را تشکیل می‌دهند و به غیر از گویش سیوندی، سایر گویش‌ها با زبان فارسی در یک گروه گویشی قرار دارند (نک. اشمیت، ۱۳۸۳: ٥٦٣). شاخهٔ گویش بختیاری درناحیه‌ای گسترده از غرب اصفهان تا دزفول و شوشتر رواج دارد (نک. همان).

۲. پیشینهٔ تحقیق

در دستور سنتی تعریف‌هایی از فاعل و مفعول بر مبنای معنا صورت می‌گیرد؛ افرادی چون دایی جواد (۱۳۳٤)، معینیان (۱۳٦٤)، ارژنگ (۱۳۷٤)، قریب و همکاران (۱۳۸٥[۱۳۲۸]) در آثار خود به تعریف فاعل و مفعول بر پایهٔ دستور سنتی پرداخته‌اند. خانلری (۱۳۸٦[۱۳٥۱]) نیز در چارچوب دستور سنتی ابتدا اشاره می‌کند که جمله متشکل از نهاد و گزاره است و سپس به تعریف هریک به‌طور مجزا می‌پردازد. انوری و گیوی (۱۳۸٦[۱۳۷٦]) و انوری و گیوی (۱۳۸۷[۱۳۷٦]) نیز به نقش-های فاعلی و مفعولی در جمله بر پایهٔ دستور سنتی می‌پردازند.

بر پایهٔ زبان‌شناسی نوین، زبان فارسی یک زبان فاعلی- مفعولی است که فاعل فعل‌های لازم و متعدی در آن شبیه هم هستند، ولی مفعول مستقیم از این جهت که مفعول‌نمای «را» دارد ظاهری متفاوت با فاعل فعل لازم و متعدی دارد، اما صورت صرفی مستقلی برای مفعول در فارسی وجود ندارد. برای نشان دادن مفعول سه راه وجود دارد: ترتیب واژه‌ها، استفاده از مفعول‌نمای «را» و

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

اتصال واژه‌بست مفعول‌نما به فعل که لزوماً جانشین مفعول نمی‌شود (نک. ماهوتیان، ١٣٨٧: ١١٣٦-١٤٠). همان‌گونه که ذکر شد، مفعول بی‌واسطه با حرف اضافهٔ پسین «را» مشخص می‌شود، ولی گاهی نیز با هیچ نشانهٔ ممیزی همراه نیست. به نظر می‌رسد که حذف یا به‌کارگیری حرف اضافهٔ «را» با معرفه یا نکره‌بودن مفعول در ارتباط است. هرگاه مفعول بی‌واسطه معرفه باشد حرف اضافهٔ پسین «را» به دنبال آن می‌آید (لازار[٦]، ١٣٨٩: ٢١٧- ٢١٨). فاعل در جمله معمولاً پیش از گزاره می‌آید که نشانهٔ آن مطابقه با شناسهٔ فعل از لحاظ شخص و شمار است (نک. وحیدیان کامیار و همکار، ١٣٨٦: ١١-١٣؛ لازار، ١٣٨٩: ٢١٦). در چارچوب دستورِ وابستگی، فاعل یا به‌صورت اسمی یا به‌صورت بند تظاهر پیدا می‌کند. صورت اول گاه به‌صورت آشکار و اختیاری و گاه به‌صورت شناسه به کار می‌رود که اجباری است (طبیب‌زاده، ١٣٩٠: ٩٧).

جامع‌ترین پژوهشی که در مورد سه راهکار ترتیب واژه‌ها، نظام حالت و مطابقه در زبان‌های ایرانی انجام شده، مربوط به دبیرمقدم (١٣٩٢) است. پژوهش ذکرشده به این راهکارها در چارچوب رده‌شناسی در زبان‌های فارسی، بلوچی، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، کردی، اورامی، لکی، دلواری، نائینی، شهمیرزادی و تاتی پرداخته است. داده‌های زبان‌های یادشده براساس مؤلفه‌های بیست‌وچهارگانهٔ مقالهٔ ١٩٩٢ درایر تحلیل شده‌اند و نتایج ارزشمندی دربارهٔ این زبان‌ها حاصل شده است. رضاپور (١٣٩٣) نیز به ترتیب واژه‌ها در زبان سمنانی از منظر رده‌شناختی پرداخته است. وی نیز مؤلفه‌های ٢٤ گانهٔ ذکرشده را به‌عنوان مبنای نظری پژوهش خود برگزیده که درنهایت، به توصیف و تعیین ردهٔ زبانی سمنانی منجر شده است.

٣. مبانی نظری تحقیق

در مقالهٔ حاضر دو کتاب ***نحو*** اثر گیوُن (2001) و ***حالت***، نوشتهٔ بلیک[٧] (2004) به‌عنوان مبانی نظری در نظر گرفته شده‌اند. بنابر نظر گیون (2001) دو نوع ویژگی صوری برای روابط دستوری وجود دارند، ویژگی‌های رمزگذاری آشکار[٨] و ویژگی‌های رفتاری و نظارتی[٩]. نوع اول ویژگی‌هایی هستند که برای رمزگذاری روابط دستوری به کار می‌روند و همگانی‌اند. این موارد شامل، ترتیب واژه‌ها، مطابقه با فعل و نشانهٔ حالت که به‌صورت نشانهٔ صرفی روی گروه اسمی قرار می‌گیرند (Vide. Keenan, 1975 & 1976 a). زبان‌های مختلف از روش‌های مختلف برای رمزگذاری آشکار فاعل و مفعول مستقیم استفاده می‌کنند (Vide. *Ibid*: 177). برخی از زبان‌ها مانند زبان ژاپنی دو روش ترتیب واژه‌ها و نظام حالت را به کار می‌بندند. اما برخی مانند زبان مندری[١٠] تنها از روش ترتیب واژه‌ها برای رمزگذاری روابط دستوری فاعلی و مفعولی استفاده می‌کنند. پاره‌ای نیز مانند زبان

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

نپالی[۱۱]، برای هریک از روابط دستوری فاعل و مفعول روش‌های متفاوت اتخاذ می‌کنند. بنابراین ملاحظه می‌شود که هیچ‌یک از سه روش رمزگذاری آشکار روابط دستوری مطلق نیستند. گاهی ممکن است در یک زبان هریک از دو رابطهٔ دستوری به یکی از روش‌های سه‌گانهٔ بالا رمزگذاری شوند. توضیح در مورد ویژگی رفتاری و نظارتی در حوصلهٔ این پژوهش نمی‌گنجد (برای مطالعهٔ بیشتر، Vide. Givon, 2001). همان‌گونه که ذکر شد، یکی از راه‌های تمایز روابط دستوری، نظام نشانه‌گذاری حالت است. به این معنی که در زبان‌هایی که از این راهکار استفاده می‌شود، نشانه-گذاری حالت روی روابط دستوری قرارمی‌گیرد که در دستور سنتی آن را *نشانه‌گذاری تصریفی*[۱۲] می‌نامند (Vide. Blake, 2004: 1). به‌عنوان مثال در زبان ترکی، برای مفعول مستقیم پسوندی به کار می‌رود که نشان‌دهندهٔ مفعول‌بودن آن است. در این زبان فاعل هیچ نشانهٔ حالتی ندارد. برای سایر نقش‌های دستوری نیز پسوندهای مجزایی وجود دارد. بنابراین در این زبان راهکار تمایز روابط دستوری، راهکار نظام نشانه‌گذاری حالت است (Vide. *Ibid*). گاهی به‌جای پسوندها یا پیشوندهای حالت، حروف اضافه می‌توانند به‌عنوان نشانه‌های حالت تحلیلی[۱۳] در زبان‌ها به کار روند. مانند زبان ژاپنی که روابط دستوری توسط نشانه‌های حالت به‌صورت حروف پس‌اضافه[۱۴] نشان داده می‌شوند. همان‌گونه که ذکر گردید، به آن‌ها نشانه‌های حالت تحلیلی گفته می‌شود. این اصطلاح در برابر اصطلاح نشانه‌های حالت ترکیبی[۱۵] به کار می‌رود که در زبان‌هایی مانند ترکی و لاتین به‌صورت پسوندها تظاهر پیدا می‌کنند. بنابراین تفاوت اصلی در نشانه‌گذاری حالت، بین زبانی مثل ژاپنی و زبانی مثل لاتین در این است که در ژاپنی پسوندهای حالت وجود ندارد، بلکه نشانه‌های حالت به‌صورت پس‌اضافه‌اند؛ درحالی‌که در لاتین پسوندهای حالت وجود دارند (Vide. Blake, 2004: 9).

راهکار دوم برای تمایز روابط دستوری، ترتیب واژه‌هاست. منظور از ترتیب واژه‌ها، توالی سه سازهٔ اصلی در بند، یعنی فعل، فاعل و مفعول می‌باشد (Vide. Givon, 2001: 233). هرگاه در زبان‌ها هیچ نشانه‌ای برای نقش‌ها و روابط دستوری اصلی وجود نداشته باشد، تمایز فاعل/ مفعول از طریق ترتیب واژه‌ها صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال ترتیب واژه‌ها یکی از راهکارهای تمایز فاعل از مفعول در زبان‌هایی مثل انگلیسی، تایلندی، ویتنامی و اندونزیایی است که در همهٔ آن‌ها در حالت بی-نشان، ترتیب واژه‌ها به‌صورت فاعل– فعل– مفعول است. در انگلیسی مفعول پذیرا[۱۶] از مفعول بهره‌ور[۱۷] یا مفعول پذیرنده[۱۸] با ترتیب واژه‌ها متمایز می‌شوند و درواقع، مفعول پذیرا همیشه به دنبال سایر مفعول‌ها می‌آید (Vide. Blake, 2004: 15). در برخی از زبان‌ها ترتیب واژه‌ها، ثابت و در برخی قابل انعطاف است. البته انعطاف‌پذیری در ترتیب سازه‌ها درجه‌بندی دارد (Vide. Givon,

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

234 :2001). در زبان‌هایی که ترتیب واژه‌ای ثابت دارند، راهکار ترتیب واژه‌ها یکی از راهکارهای مهم تمایز روابط دستوری محسوب می‌شود. البته ذکر این نکته لازم است که تحت تأثیر ملاحظات کاربردشناختی، مانند کانون[۱۹] و مبتدا[۲۰] گاهی در این گونه زبان‌ها نیز تغییر در ترتیب واژه‌ها مشاهده می‌شود (Vide. *Ibid*: 271).

راهکار سوم، مطابقه است. مطابقه به‌صورت «وند»های ضمیری فاعلی و مفعولی روی فعل نشان داده می‌شود. در زبان‌ها ممکن است فعل با فاعل یا مفعول مستقیم در شخص، شمار و جنس مطابقه داشته باشد. وندهای ذکرشده گاهی به‌صورت پیشوند روی فعل قرار می‌گیرد؛ مانند زبان سواحیلی. در برخی موارد نیز وندها به‌صورت پسوند یا به‌صورت پیشوند و پسوند، به شکل ترکیبی، روی فعل تظاهر پیدا می‌کنند؛ مانند زبان عبری (Vide. Givon, 2001: 73). بارزترین جلوهٔ مطابقه، مطابقهٔ فعل و فاعل است که می‌تواند به‌صورت پسوند روی فعل تظاهر پیدا کند (نک. دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ٤٦).

روابط دستوری را نمی‌توان از طریق نقش‌های معنایی آن‌ها از هم متمایز کرد؛ زیرا یک رابطهٔ دستوری ممکن است نقش‌های معنایی متفاوت در جمله‌های گوناگون داشته باشد. بنابراین سه راهکار برای شناسایی و تمایز روابط دستوری در زبان‌ها وجود دارد (Vide. Givon, 2001: 173). نشانه‌های حالت معمولاً برای بیان رابطه‌های نحوی و معنایی استفاده می‌شود. در زبان‌هایی که از نظام نشانه‌گذاری حالت استفاده نمی‌شود، روابط دستوری یا از طریق ترتیب واژه‌ها و یا از روش ساخت‌واژه/ صرف و واژه‌هایی مستقل مانند حرف اضافه و یا از طریق نشانه‌هایی که روی فعل قرار می‌گیرند، قابل تمایزند (Vide. Iggesen, 2005: 202). در زبان‌هایی که نظام نشانه‌گذاری حالت به کار می‌رود، نشانه‌های ذکرشده گاه به‌صورت پیشوند و گاهی به‌صورت پسوند هستند (Vide. Dryer, 2005: 210). در بعضی زبان‌ها نیز برای تمایز فاعل از مفعول از راهکار تغییر واکه‌ای یا تغییر نواخت استفاده می‌شود. پاره‌ای از زبان‌ها، هر چهار راهکار را نیز به کار می‌برند. در برخی زبان‌ها نیز حروف اضافهٔ پس‌اضافه‌ای و پیش‌اضافه‌ای برای این تشخیص کاربرد دارند (Vide. *Ibid*: 211). اگر بخواهیم در چارچوب سنتی، مقایسه‌ای با زبان انگلیسی داشته باشیم، ملاحظه می‌شود که در انگلیسی نیز فاعل و مفعول را نمی‌توان همواره براساس نقش‌های معنایی تعریف کرد، بلکه باید از معیارهای دستوری استفاده کرد؛ زیرا فاعل ویژگی‌های دستوری دارد که آن را از سایر عناصر دستوری متمایز می‌کند (Vide. Kroeger, 2005: 56-57). بر پایهٔ نظریهٔ بهینگی، همگانی در زبان‌ها وجود دارد مبنی بر این‌که «دو موضوع از یک فعل گذرا باید از هم قابل تشخیص باشند» منظور از دو موضوع همان فاعل و مفعول مستقیم است که در جمله‌هایی با افعال دوظرفیتی بررسی می‌شوند (Vide. Hoop and Lamers, 2006: 271).

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر بر مبنای مطالعات مربوط به روابط دستوری و چگونگی تمایز آن‌ها در جمله در زبان‌های مختلف است. تشخیص راهکارهای به‌کارگرفته‌شده در شوشتری برای تمایز روابط دستوری، محور اصلی این تحقیق است. بنابراین با توجه به موضوع، داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه با ۱۰ نفر از گویشوران شوشتری براساس پرسش‌نامه‌ای حاوی ٦٢ جمله گردآوری شده‌اند. نگارنده جمله‌ها را به گونه‌ای انتخاب کرده است که در آن‌ها فاعل و مفعول مستقیم به کار گرفته شده باشند. برای تأیید یا عدم تأیید مطابقه در این گویش، جمله‌ها با شخص و شمار متفاوت به کار گرفته شده‌اند. با توجه به این‌که ساخت‌های سببی و مجهول و افعال گذرا و ناگذرا و همچنین حالت‌های مختلف دستوری در تشخیص تمایز روابط دستوری فاعلی و مفعولی راهگشاست، بنابراین پرسش‌نامه حاوی ساخت‌های ذکرشده نیز هست. برای تأیید یا عدم تأیید مطابقهٔ فعل با فاعل یا مفعول جملاتی در پرسش‌نامه به کار رفته‌اند تا از نظر شخص، شمار و زمان حال و گذشته متنوع باشند. از آنجا که در این مقاله تفاوت‌های آوایی و واژگانی مورد نظر نیستند و هدف از پژوهش حاضر بررسی تمایز نقش فاعلی و مفعولی و بررسی نشانه‌های مربوط به این دو نقش دستوری است، بنابراین تعداد گویشوران محدود به ۱۰ نفر است. پس از گردآوری داده‌ها و آوانویسی با الفبای IPA، هریک از متغیرهای تحقیق به‌صورت مجزا و جداگانه در جمله‌ها بررسی و تحلیل شده‌اند که نمونه‌هایی از آن‌ها در بخش تحلیل داده‌ها ارائه می‌شوند.

۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش به بررسی سه راهکار ذکرشده برای تمایز روابط دستوری فاعل و مفعول مستقیم در گویش شوشتری در دو بخش مجزا با استفاده از داده‌های گردآوری‌شده، پرداخته شده است.

۵-۱. تشخیص رابطهٔ دستوری فاعلی در شوشتری

در داده‌های زیر، فاعل دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گویش شوشتری ترتیب واژه‌ها در جمله‌های ناگذرا در حالت بی‌نشان به‌صورت فاعل- فعل است. ملاحظه می‌شود که در این گویش فعل ناگذرا با فاعل دستوری در شخص و شمار مطابقه دارد:

1. fatome ræft		'فاطمه رفت'
فاطمه رفت

2. mo ræft-om		'من رفتم'
من شناسهٔ ۱ش م-رفت

3. fatome ʔo hæsœn ræft-œn		'فاطمه و حسن رفتند'
فاطمه و حسن شناسهٔ ۳ش ج-رفت

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

گروه‌های اسمیِ/ fatome /،/mo/ و / fatome ʔo hæsæn/ فاعل‌های جمله‌های ۱ و ۲ و ۳ هستند که فعل با آن‌ها در شخص و شمار مطابقه دارد. مطابقه فعل با فاعل را در تمام جمله‌هایی که فعل ناگذرا دارند می‌توان مشاهده کرد. بررسی جمله‌های دارای فعل گذرای دوظرفیتی مانند مثال ٤ نیز نشان می‌دهد که در گویش شوشتری، این گونه افعال نیز با فاعل مطابقه دارند و نه با مفعول. در نمونهٔ ٤ /cetab/ مفعول است. در نمونهٔ ٥ نیز که یک جملهٔ گذرای سه‌ظرفیتی است، فاعلِ/iSun/ سوم شخص جمع است و فعل با آن مطابقه دارد. در این جمله/mo/ مفعول غیر مستقیم است. آزمونی را که برای تأیید مطابقه نداشتن فعل با مفعول می‌توان انجام داد این است که در جملاتی که دارای فاعل مفرد و مفعول جمع هستند، به فعل توجه کنیم؛ مثلاً در مثال ٦ علی‌رغم جمع بودن مفعول، فعل دارای صورت مفرد است. بنابراین فعل با مفعول مطابقه ندارد:

4. to cetab-o xərid-i 'تو کتاب را خریدی.'
شناسهٔ ۲ش م-خرید را کتاب تو

5. ʔiʃun cetab-o be mo dad-æn 'آن‌ها کتاب را به من دادند.'
شناسهٔ ۳ش ج- داد من به را کتاب آن‌ها

6. hæsæn pije bætʃ-un-eʃ be bimarestan mi-r-e
شناسهٔ ۳ش م-رو-مضارع بیمارستان به واژه‌بست ملکی-نشانهٔ جمع- بچه با حسن
'حسن با بچه‌هایش به بیمارستان می‌رود.'

با توجه به بررسی داده‌های گردآوری‌شدهٔ گویش شوشتری، راهکار ترتیب واژه‌ها در این گویش نشان‌دهندهٔ تمایز فاعل از مفعول مستقیم نیست؛ زیرا با تغییر ترتیب قرارگرفتن فاعل و مفعول مستقیم، همچنان مطابقهٔ فاعل با فعل جمله صورت می‌گیرد و شرایط، تغییر نمی‌کند؛ مثلاً در جملهٔ ۷ / hæsæn/ فاعل و /cetab/ مفعول مستقیم جمله است. با این‌که ترتیب واژه‌ها در جمله نشاندار است، اما همچنان فعل با فاعل مطابقه دارد. بنابراین ترتیب واژه نمی‌تواند راهکاری برای تمایز فاعل از مفعول مستقیم در این گویش باشد:

7. cetab-o hæsæn xund 'کتاب را حسن خواند.'
خواند حسن را کتاب

با توجه به بررسی داده‌های گویش شوشتری، هیچ‌گونه نشانه‌ای برای حالت فاعلی در این گویش وجود ندارد. به این معنی که نشانه‌های حالت فاعلی به‌صورت «وند» تصریفی یا حرف اضافه- که در بخش مبانی نظری به آن‌ها اشاره شد- مشاهده نمی‌شوند، چه فاعل به‌صورت ضمیر و چه به‌صورت هستهٔ اسمی باشد. در مثال شمارهٔ ۸ /ʃomo/ ضمیر فاعلی است و نشانهٔ حالت ندارد. در این جمله ترتیب واژه‌ها نیز نشاندار است و مطابق سایر داده‌ها فعل با فاعل مطابقه دارد:

8. ʃomo ræft-id bazar 'شما رفتید بازار.' شناسهٔ
شما رفت- ۲ش بازار

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

در نمونهٔ ۹ نیز که فاعل هستهٔ اسمی است، هیچ نشانه‌ای از حالت فاعلی ندارد:

9. pærvane nume neveʃt 'پروانه نامه نوشت.'
پروانه نامه نوشت

بررسی داده‌های گویش شوشتری نشان می‌دهند که برای تمایز رابطهٔ دستوری فاعلی، این گویش راهکار مطابقه را از بین سه راهکار برگزیده است و راهکارهای ترتیب واژه‌ها و نظام نشانه-گذاری حالت دستوری برای تمایز فاعل دستوری در این گویش به کار گرفته نمی‌شوند.

۲-۵. تشخیص رابطهٔ دستوری مفعول مستقیم در شوشتری

در بخش ۵-۱ به راهکارهای تمایز فاعل پرداخته شد. حال در این بخش سه راهکار ذکرشده در مبانی نظری را در داده‌های شوشتری می‌آزماییم تا به راهکارهای تمایز مفعول مستقیم در این گویش دست یابیم. نخست به آزمایش راهکار مطابقه پرداخته می‌شود:

10. hæmid qæza-ne x^word 'حمید غذا را خورد.'
حمید غذا- را خورد

در جملهٔ ۱۰ /hæmid/ فاعل و مفرد است. در این جمله فعل /x^word/ با فاعل سوم شخص مفرد مطابقه دارد. /qæza/ مفعول جمله است. ملاحظه می‌شود که مطابقهٔ فعل با مفعول صورت نمی‌گیرد. در نمونهٔ ۱۱ که یک جملهٔ گذرای سه‌ظرفیتی است، /mo/ فاعل، /sib/ مفعول مستقیم و /bætʃe/ مفعول غیر مستقیم هستند. در این جمله، فاعل اول شخص مفرد با /dadom/ مطابقه دارد.

11-mo sib-e be bætʃe dad-om 'من سیب را به بچه دادم.'
من سیب را به بچه داد- ش ۱ شناسهٔ

ترتیب واژه‌ها راهکار تمایز فاعل و مفعول مستقیم در داده‌های گویش شوشتری محسوب نمی-شود؛ زیرا با تغییر ترتیب فاعل و مفعول مستقیم تغییری در نقش آن‌ها و معنای جمله ایجاد نمی‌شود و جابه‌جایی فاعل و مفعول بر نقش آن‌ها تأثیری ندارد و تنها این تغییر تفاوت‌های کاربرد شناختی–کلامی را موجب می‌شود. در جمله‌های ۱۲ و ۱۳ این نکته قابل مشاهده است:

12. ʔu pændʒræ-ne vazikon-æ 'او پنجره را باز می‌کند.'
او پنجره را باز می‌کن- ش ۳ شناسهٔ

13. pændʒæræ-ne ʔu vazikon-æ 'پنجره را او باز می‌کند.'
پنجره را او باز می‌کن- ش ۳ شناسهٔ

راهکاردیگری که برخی از زبان‌ها در تمایز نقش‌های دستوری به کار می‌گیرند، استفاده از نشانه‌های حالت است. در گویش شوشتری نشانهٔ حالت مفعولی به‌صورت پسوند یا پس‌اضافه تظاهردارد. در نمونه‌های ۱۴ و ۱۵ به‌ترتیب/mar/ و /bætʃe/ مفعول‌های جمله و دارای نشانهٔ حالت

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مفعولیِ/o-/ و /ne/ هستند. در داده‌های پیکره نشانه‌های حالت به‌صورت‌های /o-/، /ne/،/no/،/ro/ به کار رفته است که به نظر می‌رسد تک‌واژگونه‌های تک‌واژ دستوری نشانهٔ حالت باشد. تشخیص صورت زیرساختی این تک‌واژ به حوزهٔ واج‌شناسی مربوط و خارج از این بحث است:

14. ʔærʒæŋ mar-eʃ-o dusar-e 'ارژنگ مادرش را دوست دارد.'
ارژنگ مادر را (نشانهٔ حالت مفعولی)- واژه‌بست ملکی- دوست دارد شناسهٔ ۳ش م-

15. hæsæn bætʃæ-ne bord-eʃ mædresæ
حسن بچه را (نشانهٔ حالت مفعولی)- واژه‌بست مفعولی- برد مدرسه
'حسن کودک را به مدرسه بردِش.'

همان‌گونه که پیشتر در بخش پیشینه ذکر شد، در شرایطی که مفعول اسم نکره باشد، گاهی نشانهٔ حالت مفعولی در جمله حذف می‌شود؛ مثلاً در جملهٔ ١٦ /cetab/ مفعول جمله است، اما نشانهٔ حالت مفعولی ندارد:

16. to cetab xer-id-i 'تو کتاب خریدی.'
تو کتاب خر- نشانهٔ گذشته- شناسهٔ ۲ش م-

۶. نتیجه‌گیری

از بررسی داده‌های گردآوری‌شده و آزمایش راهکارهای تمایز روابط دستوری، نتایج زیر حاصل شدند:

۱. برای تمایز رابطهٔ دستوری فاعلی، گویش شوشتری راهکار مطابقه را از بین سه راهکار، برگزیده است و راهکارهای ترتیب واژه‌ها و نظام نشانه‌گذاری حالت برای تمایز آن به کار گرفته نمی‌شوند؛ زیرا با تغییر در ترتیب واژه‌ها، همچنان فعل با فاعل مطابقه دارد و تغییری در نقش دستوری ایجاد نمی‌کند. تغییر در ترتیب واژه‌ها تنها جملهٔ نشان‌داری را به وجود می‌آورد که به لحاظ کاربردشناختی با جملهٔ بی‌نشان متفاوت است. از آنجا که فاعل دستوری چه به‌صورت ضمیر یا به‌صورت هستهٔ اسمی، هیچ نشانهٔ حالت فاعلی نمی‌گیرد، بنابراین نظام نشانه‌گذاری حالت نیز راهکار تمایز رابطهٔ دستوریِ فاعل در گویش شوشتری محسوب نمی‌شود.

۲. از سه راهکار مورد نظر برای تمایز روابط دستوری، در گویش شوشتری از راهکار نشانهٔ حالت جهت تمایز مفعول مستقیم در جمله استفاده می‌شود. نشانهٔ حالت در این گویش به‌صورت پس‌اضافهٔ «را» تظاهر دارد که همان‌گونه که پیشتر اشاره شد یک نشانهٔ حالت تحلیلی محسوب می‌شود و راهکار مطابقه و ترتیب واژه‌ها در تشخیص نقش مفعولی کاربردی ندارند. نشانهٔ حالت در

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

گویش شوشتری به‌صورت‌های/ro /،/no /، /ne /، /o-/ و به‌صورت پس‌اضافه یا پسوند تجلی می‌یابد که در صورت نکره بودن مفعول، محذوف است.

۳. به‌طور کلی در گویش شوشتری از دو راهکار به‌طور همزمان برای تمایز روابط دستوری استفاده می‌شود؛ به گونه‌ای که هریک از روابط دستوری با راهکاری متمایز از هم قابل تشخیص هستند. به این معنی که در یک جمله، فاعل را از طریق راهکار مطابقه و مفعول را از طریق نظام نشانه‌گذاری حالت می‌توان متمایز کرد.

٤. همان‌گونه که در بخش مقدمه نیز اشاره شد، راهکارهای مشابه با زبان فارسی معیار در شوشتری به کار گرفته می‌شوند.

٥. پژوهش حاضر را با شیوه‌ای مشابه، می‌توان برای سایر گویش‌ها و زبان‌های ایرانی نیز انجام داد و به‌تدریج با اضافه شدن اطلاعات در مورد چگونگی تمایز روابط دستوری در آن‌ها اطلاعاتی را به جدول زیر افزود و درنهایت به جمع‌بندی کلی از راه یک پژوهش تطبیقی رسید.

با توجه به این‌که گیون (2001) در کتاب خود راهکارهای سه‌گانهٔ تشخیص فاعل و مفعول مستقیم را در ۹ زبان در قالب جدول با هم مقایسه کرده است (Vide. Givon, 2001: 177)، نگارنده به‌عنوان نوآوری و انتهایی‌ترین بخش پژوهش با توجه به پیکرهٔ داده‌ها و تحلیل منتج از آن‌ها، جدول ۱ را به دست داده است:

جدول ۱ راهکارهای تمایز فاعل و مفعول مستقیم در گویش شوشتری

نام گویش	ترتیب واژه‌ها		نظام نشانه‌گذاری حالت		مطابقه با فعل	
	فاعل	مفعول	فاعل	مفعول	فاعل	مفعول
گویش شوشتری	–	–	–	+	+	–

در این جدول نماد مثبت، نشان‌دهندهٔ کاربرد راهکار و نماد منفی نمایانگر عدم استفاده از راهکار مورد نظر است. همان‌طور که پیشتر نیز ذکر شد و از جدول نیز بر می‌آید، در گویش شوشتری برای تمایز فاعل از مفعول مستقیم، راهکار مطابقه با فعل و برای تمایز مفعول مستقیم از فاعل دستوری از راهکار نظام نشانه‌گذاری حالت استفاده می‌شود. از اطلاعات ستون دوم جدول پیداست که راهکار ترتیب واژه‌ها در شوشتری برای تمایز روابط دستوری کاربردی ندارد؛ زیرا نشانهٔ منفی برای هر دو رابطهٔ دستوری استفاده شده است.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

۷. پی‌نوشت‌ها

1. grammatical relations
2. strategy
۳. گفتنی است اصطلاح «ترتیب واژه‌ها»، علاوه بر آرایش واژه‌ها، آرایش گروه‌ها و سازه‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. همچنان‌که گیون (2001) نیز به این نکته اشاره کرده است: «کاربرد دستوریِ ترتیب واژه‌ها (word order) به معنای توالی سه سازهٔ اصلی بند است: فعل، فاعل، مفعول» (*Ibid*: 233).
4. case marking system
5. agreement
6. G.Lazard
7. B.Blake
8. coding overt
9. behavior-and-control
10. Mandarin
11. Nepali
12. inflectional marking
13. analytic case markers
14. post position
15. synthetic case markers
16. patient object
17. beneficiary
18. recipient
19. focus
20. topic

۸. منابع

- ارژنگ، غلامرضا (١٣٧٤). ***دستور زبان امروز***. تهران: قطره.
- اشمیت، رودیگر (١٣٨٣). ***راهنمای زبان‌های ایرانی***. (ج ٢). ترجمهٔ فارسی زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی. تهران: ققنوس.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (١٣٨٦). ***دستور زبان فارسی (١)***. ویرایش ٣. تهران: فاطمی.
- ---------- (١٣٨٧). ***دستور زبان فارسی (٢)***. ویرایش ٤. تهران: فاطمی.
- دایی جواد، سیدمحمدرضا (١٣٣٤). ***راهنمای دستور زبان فارسی برای همه***. اصفهان: کتاب‌فروشی ثقفی.
- دبیرمقدم، محمد (١٣٩٢). ***رده‌شناسی زبان‌های ایرانی***. ج ١. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- رضاپور،ابراهیم (١٣٩٣). «ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان». دوماهنامهٔ ***جستارهای زبانی***. (آمادهٔ انتشار: Vide. http://Jcll.ir).

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- طبیب‌زاده، امید (۱۳۹۰). ***دستور زبان فارسی براساس نظریهٔ گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی***. تهران: مرکز.
- فاضلی، محمد تقی (۱۳۸۳). ***فرهنگ گویش شوشتری، ریشه‌شناسی و مقایسه با فارسی و گویش‌های ایرانی ضرب‌المثل‌ها، نمونه‌های متن، واژه‌نامه***. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی و انتشاراتی پازینه.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران (۱۳۸۵[۱۳۲۸]). ***دستور زبان فارسی (پنج استاد)***. تهران: ناهید.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۹). ***دستور زبان فارسی معاصر***. ترجمهٔ مهستی بحرینی. چ ۲. تهران: هرمس.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۸۷). ***دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی***. ترجمهٔ مهدی سمائی. چ ۵. تهران: مرکز.
- معینیان، مهدی (۱۳٦٤). ***دستور زبان فارسی با تجزیه و ترکیب قدم به قدم به همراه تعریف انواع شعر و بعضی از صنایع ادبی***. تهران: چاپ شمشاد.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸٦[۱۳۵۱]). ***دستور زبان فارسی***. چ ۲۱. تهران: توس.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸٦). ***دستور زبان فارسی (۱)***. چ ۹. تهران: سمت.

References:

- Anvari, H. & H. Ahmadi Givi (2007). *Persian Grammar (1).* 3rd edition.Tehran: Fatemi [In Persian].
- Anvari, H. & H. Ahmadi Givi (2008). *Persian Grammar (2).* 4th edition.Tehran: Fatemi [In Persian].
- Arjhang, Gh. (1995). *Today Persian Grammar.* Tehran: Ghatreh [In Persian].
- Blake, B. J. (2004). *Case*. 2nd edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabirmoghadam, M. (2013). *Typology of Iranian Languages* (Volume 1). Tehran: SAMT [In Persian].
- Dayi Javad, S.M. (1955). *A Guide for Persian Grammar for All*. Isfahan: Saghafi Book Shop Publication [In Persian].
- Dryer, M. S. (2005). "Position of case affixes". *The World Atlas of Language Structures.* Edited by: M. Haspelmath and M. S. Drayer and Gil and B. Comrie. Oxford: Oxford University Press. pp. 210-213.

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- Fazeli, M. (2004). *A Dictionary of Shushtari Dialect. Philology and Comparison with Persian and Iranian Dialects, Proverbs, Texts, Glossory*. Tehran: Pazineh Cultural and Publication Institute [In Persian].
- Gharib, A. et. al. (2006[1949]). *Persian Grammar (Panj Ostad).* Tehran:Nahid[In Persian].
- Givon, T. (2001). *Syntax.* 2 Vols. Amesterdam and Philadelphia: John Benjamins.
- Hoop, de. H. & M. Lamers (2006). "Incremental distinguishability of subject and object". *Case, Valency and Transitivity.* Edited by: L. Kulikov, P.de Swart and A.Malchukov. Pp. 269-290 Amsterdam:John Benjamins Publishing Company.
- Iggesen, O. A. (2005). "Asymmetrical case marking". *The World Atlas of Language Structures.* Edited by: M. Haspelmath and M. S. Drayer and Gil and B. Comrie, Oxford: Oxford University Press. Pp. 206-209.
- Keenan, E. L. (1967 a). "Toward a universal definition of 'subject". in C.Li (ed. 1976). *Subject and Topic*. New York: Academic Press.
- Keenan, E. L. (1975). "Some universals of passive in relational grammar". *CLS#11*. Pp. 52- 340. University of Chicago: Chicago Linguistics Society.
- Kroeger, P. R. (2005). *Analyzing Grammar: An Introduction.* Cambridge: Cambridge University Press.
- Lazar, Zh. (2010[1957]). *The Contemporary Persian Grammar*. *Translated by*: Mahasti Bahreyni. Tehran: Hermes.
- Mahutian, Sh. (1999). *Persian Grammar Based on Typological Approach*. *Translated by Mehdi Samai*. Tehran: Nashr-e-Markaz [In Persian].
- Moinian, M. (1985). *Persian Grammar with step by Step Construing and Definition of Poems and some Figures of Speech.* Tehran: Shemshad Publication {In Persian].
- Natel Khanlari, P. (2007[1972]). *Persian Grammar.* 21st Publication. Tehran: Tus [In Persian].
- Rezapoor, E. (2014). "Word Order in Semnani from Typological approach". *Language Related Research*. Article in Press. .(http://Jcll.ir).[In Persian].
- Schmitt, R. (2004). *Compendium Linguarum Iranicarum (*Volume 2). *Translated by* :Hasan Rezai Baghbidi et al. Tehran: Ghoghnus [In Persian].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]

- Tabibzadeh, O. (2014). *Persian Grammar: A Theory of Autonomous Phrases Based on Dependency Grammar.* Tehran: Nashr-e-Markaz[In Persian].
- Vahidiyan Kamyar, T. & Gh. Omrani (2007). *Persian Grammar(1).* 9th Edition. Tehran: SAMT [In Persian].

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12]